

دواتگری در واکنش به بیانیه اعلام برائت رییس دولت نهم و دهم از رحیمی؛

احمدی نژاد بداند هیچ کس خط قرمز نظام نیست



باقی بماند. از این منظر من به مسوولان نقد دارم؛ چرا که دست‌کم باید قرار بازداشت موقت یک ماهه برای رحیمی همان ابتدای کار صادر می‌شد. **آخب آقای احمدی‌نژاد می‌گفتند که کابینه‌شان خط قرمز است...** خیر، هیچ مسوولی برای نظام خط‌قرمز نیست و همه در برابر قانون مساوی‌اند. کماکان نقد من این است که چرا با پایان یافتن دوره مسوولیت رحیمی مراحل رسیدگی به حکم او آغاز شد. در این مسیر چند سوال در ذهن من نماینده هست که باید آن را با مخاطب و مسوولان قضایی در میان بگذارم؛ یکی اینکه زمانی که ایشان- رحیمی- خط قرمز هیچ‌کس نیست، اشکال اساسی این بود که حرف احمدی‌نژاد اثر کرد و مسوولان آن موقع با جدیت وضعیت پرونده رحیمی را مورد بررسی قرار ندادند. نکته دیگر اینکه هیچ‌قانونی نگفته کسی که معاون اول رئیس‌جمهوری است مصونیت دارد. سوال جدی‌ام از آقای احمدی‌نژاد و مسوولان این است که این فرد که حالا جرمش مشخص است چرا در زمان خودش تحت تعقیب قرار نگرفته و در همان دوره مجازات نشده و باوجود ارتکاب به چنین جرمی در همان جایگاه رفیع قرار داشت. آن جایگاه رفیع بدون شک در حد یک‌مجرم نبوده است.

آ شما به‌عنوان حقوقدان چه نکاتی در این موضوع می‌بینید؟ اینجا ما یک‌اشکال قانونی داریم؛ یکی از اشکالات قانون‌اساسی ما عدم تعریف دقیق جایگاه معاون اول رییس‌جمهوری است. حکم رییس‌جمهوری را رهبری تنفیذ می‌کنند اما در مورد معاون اول نه می‌شود او را برای سوال به مجلس خواست و نه می‌شود استیضاحش کرد. آن هم در شرایطی که مجلس در سوال و استیضاح رییس‌جمهوری اختیار دارد. در این موضوع قانون باید تغییر کرده و موارد حقوقی جدیدی برای نظارت بر معاون اول رییس‌جمهوری لحاظ شود. اینجا من یک اشکال جدی قانونی می‌بینم؛ باید در ساختار جایگاه معاون اول بازنگری کنیم.

آ‌آیا برنامه دارید در همین موضوع طرحی آماده کنید؟

خیر، این موضوع نیازمند بازنگری در قانون‌اساسی است و از حیطة اختیارات مجلس خارج است. اما من نماینده و آشنا به مسایل حقوقی صرفا می‌توانم درباره ضرورت طرح بحث این موضوع اطلاع‌رسانی کنم.

آ برخی همین‌حال بنا دارند مساله فساد مالی و مجرمیت رحیمی را با دوره‌های تاریخی دیگر

شرق، آمنة شیرافکن؛ دی‌ماه سال گذشته دونطق افکارعمومی را یک‌بار دیگر متوجه پرونده محمدرضا رحیمی کرد؛ نخست نطق علی مطهری و اعتراض درباره اینکه چرا ابعاد پرونده هنوز نامشخص مانده و دیگری نطق مهدی دواتگری که از عدم بازداشت موقت یک‌ماهه معاون اول رییس دولت گذشته گله کرد. همین دونطق و نقد کافی بود که یک‌بار دیگر موج‌رسانه‌ای در موضوع پرونده محمدرضا رحیمی به پا شود، هرچند وکیل او یک‌بار از حال بد رحیمی خبر داد و از آنچه «فضاسازی‌های رسانه‌ای» می‌نامید، گله کرد. حالا دواتگری که خودش از قضات دادگستری بوده بازهم به‌دلایل عدم برخورد با رحیمی در همان دوران معاون اولی گله دارد: «دلیلی برای مصلحت‌اندیشی در پرونده رحیمی وجود نداشت. او باید همان سال گذشته بازداشت می‌شد و حالا افکارعمومی منتظر اجرای حکم او است. آقای احمدی‌نژاد باید بداند که هیچ رحیمی آمده و دواتگری از قوه قضاییه سیاست‌گذار است و رسیدگی به این پرونده را نوبدبخش اخبار خوش دیگری از پرونده‌های تخلف مسوولان دولت گذشته می‌داند؛ از تخلف در بنیاد شهید گرفته تا تأمین اجتماعی و ماجرای بابک زنجانی و پرونده‌های دیگر.

آ پیامد حکم رحیمی چه بود؟

اصل‌سوم قانون‌اساسی رفع تبعیض نارواست و برنامه دولت و حاکمیت باید این باشد تا با هر مقام و مسوولی در هر جایگاهی برخورد شده و گمان نرود که مصونیت و محدودیتی در برخورد با مسوولان وجود دارد. بنابراین نخستین پیامد حکم رحیمی به باور من ایجاد نگرانی جدی برای تک‌تک مسوولانی است که بداندن هیچ راه گریزی از قانون برای‌شان متصور نیست. هر مسوولی باید در برابر تخلف و جرایم ارتکابی پاسخگو باشد.

آقای احمدی‌نژاد در بیانیه‌ای گفته‌اند که حکم رحیمی مربوط به سال ۸۶ و پیش از ورود به دولت‌نهم بوده. البته برخی دیگر هم سرخ قدرت‌گیری رحیمی را تا دوران اصلاحات و کارگران عقب برده‌اند...

این موضوع مربوط به دوره مسوولیت رحیمی می‌شود و اتفاقا سوال من نماینده این است که اصلا چرا معاون اول متخلف باید سر پست و مقامش

محمد قوچانی؛

آتشی که «شارلی» روشن کرد تر و خشک را با هم سوزاند

من مایلیم در چارچوب همین نظام و قانون اساسی فعالیت داشته باشیم

محمد قوچانی، سردبیر روزنامه توقیف‌شده مردم‌امروز، درباره هفته‌نامه «شارلی» و مسایلی که برای روزنامه «مردم امروز» پیش آمد، به «آریا» گفت: «در کار مطبوعاتی ممکن است اتفاقاتی بیفتد که قابل کنترل نباشد چون ذات کار مطبوعاتی با احتمال خطا همراه است؛ چنان‌که در مطبوعات اصولگرا هم به‌وفور رخ داده حتی از نوع اهانت به مقدسات و انتها عذرخواهی کرده‌اند. به‌همین‌خاطر جرایم مطبوعاتی را ذاتا از نوع غیرعمد می‌دانند و اگر هم خطایی رخ دهد قانون فصل‌الخطاب است و تکلیف همه را مشخص کرده است.» او در توضیح تیرتیر روزنامه «مردم امروز» که موجب توقیف آن شد، گفت: «خیلی‌ها نمی‌دانستند که مجله شارلی در مراحل بعدی چه اقدامی خواهد کرد. فرض بر این بود که این نشریه با احتیاط بیشتری عمل خواهد کرد و این تیتیر مربوط به سه‌روز قبل از کارتون توهین‌آمیز این نشریه بود، اما آتشی که انتها روش‌ها کردند، تروخشک را با هم سوزاند. من دیدگاه خود علیه اقدام مجله شارلی را در سرمقاله روز پنجشنبه ۲۵دی‌ماه اعلام کردم و علیه این نشریه موضع گرفتم و از اسلام‌ستیزی آنها انتقاد کردم و ارادت خود به پیامبر(ص) را اعلام کردم. من هرگز دفاع از این نشریات را جایز نمی‌دانم و مشی من همان است که رییس‌محترم‌جمهوری اعلام کرد توهین و تکفیر هر دو محکوم است و البته مجازات توهین‌کننده باید برمبنای فقه اسلامی و اجازه مجتهد باشد.» قوچانی در واکنش به انتقادهایی که نسبت به او می‌شود و در مورد حجم توقیف رسانه‌هایی که در آن مسوولیت داشته است، گفت: «توقیف چیزی نیست که به اراده یک فرد باشد. توقیف یک مساله پیچیده است که در نهادهای نظارتی و قضایی با روال خاص خودش اتفاق می‌افتد. برای مثال در مورد «همشهری ماه» که ضمیمه روزنامه همشهری بود، باید بگویم که انتشار این ضمیمه با نظر هیات‌نظارت وقت، غیرقانونی اعلام شد که ما هم کار را متوقف کردیم. زمانی که مساله حل شد هم ما دیگر در آن مجموعه نبودیم که بخواهیم انتشار آن را از سر بگیریم. اکنون اما شرایط تغییر کرده و نشریات متعددی به‌صورت ضمیمه همراه همشهری با روزنامه‌های دیگر منتشر می‌شود.»

نگاه

ظرفیت بالای «مذاکره‌وهمکاری» در روابط بین‌الملل

بهزاد صابری

● بیست‌وهفتم ژانویه، سالگرد امضای تفاهنامه دولت ایران و آژانتین در ارتباط با حادثه انفجار آمیاست. مذاکرات منتهی به امضای این یادداشت تفاهم در دولت دهم صورت گرفت و متن آن توسط جناب دکتر صالحی، وزیر امور خارجه وقت، امضا شد. با انتشار خبر مذاکرات میان دو کشور درخصوص این موضوع، محافل مهیونیستی در داخل و خارج آژانتین با این فرآیند به مخالفت پرداخته و یک‌صدامطرح می‌کردند ایران در این مذاکرات جدی نیست و هیچ اراده واقعی در ایران برای به‌سرانجام‌رساندن مذاکرات وجود ندارد. جالب اینکه این مدعیان، روند طولانی و بی‌نتیجه مذاکرات هسته‌ای تا آن زمان را به‌عنوان شاهد مثالی برای جدی‌نبودن ایران در مذاکرات مطرح می‌کردند. نزدیک به دوده‌ها در واقعه آمیا گذشته بود و در این مدت، دولت‌هایی که در آژانتین بر سر کار آمده بودند، یکی بعد از دیگری با اهداف مختلف داخلی و خارجی، ساده‌ترین راه را انتخاب کرده بودند؛ با موج همراه شوند و به‌جای جست‌وجوی برهزنریه سیاسی برای یافتن مسیان واقعی این انفجار، تقصیرها را گردن دولتی در آن طرف دنیا بیندازند که حداکثر خطر این اتهام‌فکنی برای آنان، کاهش سطح مبادلات تجاری با آن کشور باشد و آن‌هم با تقویت روابط تجاری با غرب قابل‌جبران بود. در آن مقطع زمانی خاص، بدنه کارشناسی وزارت امور خارجه به این جمع‌بندی رسیده بود که برای نخستین بار، نشانه‌هایی لااقل در ظاهر، از دولت جدید آژانتین مشاهده می‌شد که حاکی از شهامت و اراده این دولت برای روبه‌روشدن با حقیقت و پرداختن هرزنه‌های آشکارسازی آن بود. این جمع‌بندی کارشناسی با حمایت مدیران سیاسی و مسوولان نظام روبه‌رو شد و دیپلمات‌های ایران این مذاکرات را با جدیت تمام در چندمرحله مختلف و در سطوح کارشناسی و مدیریتی به پیش بردن و نهایتا دو وزیر خارجه که هر دو به‌عنوان ناظر برای شرکت در اجلاس سران اتحادیه افریقایی در آدیس‌آبابا به‌سرمی‌بردن، از فرصت استفاده کرده و در حاشیه این اجلاس، یادداشت تفاهم معروف را امضا کردند. با امضای این یادداشت تفاهم، این‌بار صهیونیست‌ها که انتظار به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات را نداشتند، ناچار شدند از یک‌طرف فشار سیاسی داخلی و خارجی روی دولت آژانتین را دیدنی‌وار بالا ببرند و از سوی دیگر، هجوم تبلیغاتی خود را روی این پیشگویی متمرکز کنند که ایران هرگز اقدامی برای تبادل اسناد لازم‌الاجرای سندی که امضا کرده است، صورت نخواهد داد. مجددا، چندماه بعد این‌بار کاردار وقت ایران در آژانتین اعلام کرد، مراحل داخلی لازم در جمهوری‌اسلامی‌ایران طی‌شده و ایران آماده است به‌محض آمادگی طرف آژانتینی، اسناد لازم را تبادل کرده و اجرای رسمی یادداشت تفاهم آغاز شود. بدین‌ترتیب، آنانی که نزدیک به دوده، بر سر این سفره نشسته و به دنبال این اتهام‌فکنی، خوراک لازم برای تبلیغات ضدایرانی خود را فراهم می‌کردند، در موقعیتی قرار گرفتند که هرگز انتظار آن را نداشتند. در نتیجه، برای غرق‌نشدن در سیلاب جدیدی که به راه افتاده بود، به هر خاشاکی دست انداختند. از تلاش برای جلوگیری از تصویب این سند در مراجع ذی‌صلاح قانونی آژانتین تا کشاندن موضوع به سیستم قضایی و نهایتا نیز از طریق همین مکانیزم‌ها، مانع از اجرای یادداشت تفاهم از سوی طرف آژانتینی شدند. اخیرا هم که ماجرای تازه مهم‌کردن رییس‌جمهور آژانتین از سوی دادستان پرونده، نیسمان و بعد مرگ با خودکشی مشکوک این دادستان به ماجرا اضافه شده است تا آب‌ها کماکان گل‌آلود باقی بماند و امکان ماهی‌گیری برای کاسبان آمیا در داخل و خارج آژانتین از میان نرود. اما فارغ از اینکه در داخل آژانتین این پرونده چه سرنوشتی پیدا کند، نکته مهم برای ایران این است: استفاده از فرصت برای ورود به فرآیند مذاکره با دولتی که در آژانتین روی کار آمده بود و حتی اگر شده در ظاهر، آماده تعامل می‌نمود، به‌خودی‌خود اثرات تبلیغاتی، سیاسی و بین‌المللی قابل‌ملاحظه‌ای برای ایران به‌دنبال داشت. امضای یادداشت تفاهم همکاری و اعلام آمادگی برای تلاش مشترک به‌منظور آشکارکردن واقعیت اتهاماتی که نزدیک به دوده فضای بین‌المللی را آلوده کرده بود، نزد بسیاری از دولت‌های ثالث و افکارعمومی جهان به‌منزله آب پاکی بود که تصویر ملوک‌شده ایران را شست‌وشو داد. این واقعیت که درنهایت، ایران رسما برای اجرای فوری یادداشت تفاهم اعلام آمادگی کرد و این رژیم اسرائیل و مراکز یهودیان آژانتین بودند که نهایت ناخرسندی خود از انتقاد این سند را اعلام کردند و از هیچ تلاش آشکار و پنهانی برای اجرانشدن آن خودداری نکردند و این واقعیت که نه یکی از قوای سه‌گانه ایران، بلکه دستگاه قضایی مشهور به فساد آژانتین بود که تیر خلاص را به این سند همکاری شلیک کرد و تأثیرات سیاسی و دیپلماتیک خود را بر جای گذاشت. بدین‌ترتیب، ورود جدی به این روند برای ایران، با عنایت به اینکه هیچ دخالتی در انفجار گدایی نداشت و برای رد شواهد ضعیف ارایه‌شده، دلایل و مستندات محکم در اختیار داشت، در هر دوصورت منشأ خیر و نیکی بود؛ یا تفاهنامه اجرایی می‌شد که درنتیجه آن، کذب اتهامات وارده ثابت می‌شد، یا اینکه در یکی از مراحل، طرف آژانتینی به اصطلاح عامیانه «جامی‌زد» و به نحوی از انحا از مسیر اجرایی‌شدن تفاهنامه خارج می‌شد.

ادامه در صفحه ۱۹

الو شرق ۰۲۶۰۸۸۶۴۰ sharghline@sharghdaily.ir پیامک: ۰۰۰۴۶۹۹

● شورای شهر گرگان بیگانه با مطبوعات! برای انجام کاری به شورای شهر گرگان رفته بودم، با یکی از کارمندان این ششورا درباره معضلات شهری گفت‌وگو می‌کردم و درباره اعضای ششورا و مطبوعات پرسیدم، گفت که هیچ روزنامه‌ای در شورای شهر وجود ندارد! وقتی اعضای شورای شهر با مطبوعات بیگانه‌اند، چگونه مردم انتظار دارند به مشکلاتی که در مطبوعات چاپ می‌شود، رسیدگی شود و مسوولان پاسخگو باشند؟!

● قاصداًآبادی از گرگان ● گرانی دارو: ۱۰عدد قرص آموکسی‌کلاو را از داروخانه به قیمت پنج‌هزارتومان خریدم. گرانی دارو، درد بیماران را افزایش می‌دهد!

● پوریا علوی ● کرایه اضافه ممنوع: کرایه خودروهای سواری خطی خیابان شکوفه، شیوا و عارف‌شمالی هررنف ۹۰۰تومان است، اما رانندگان به بهانه نداشتن پول خرد، هزارتومان می‌گیرند. چنانچه مسافری پول کمتری به آنها بدهد، از این کار رضایت دارند؟! لطفاً مسوولان ذی‌ربط رسیدگی کنند.

● علی از تهران ● سوالی از اداره آب‌وفاضلاب داشتم، می‌خواستم بدانم آب این برج‌هایی که هرروز تعدادشان بیشتر می‌شود چطور تأمین می‌شود؟ ● ساکن شهریار، شهرک کمیته، کوچه برق هشتم، برق این کوچه ۲۴ساعته روشن است حتی در روز که هوا روشن است و نیازی به روشنائی آن نیست.

توضیح و تشکر

فلسفه وجودی ستون پیام‌های درمانی در یک رسانه، انعکاس بی‌واسطه نظرات آحاد جامعه و ایجاد یک پل ارتباطی میان آنان و مسوولان و متولیان امور است. «شرق» هم در تمام این سال‌ها تلاش کرده چنین روبه‌ای را نهاده‌بند کند و در اکثر موارد از همکاری دستگاه‌های مخاطب آن پیام در قالب «جوابیه» بهره‌مند شده است. یکی از فعال‌ترین ارگان‌ها، شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه است و با توجه به جابه‌جایی میلیون‌ها مسافر در پایتخت، به‌طور طبیعی نظرات متعددی در این‌باره به روزنامه منعکس می‌شود که پاسخگویی بهنگام آن شرکت، شایسته تقدیر است.

فروش ویژه دهه مبارک فجر محصولات گروه خودرو سازی سایپا



پیش فروش با قیمت قطعی»

سود مشارکت مناسب»

تسهیلات استثنایی»

www.saipagroup.ir



توجه : رانر به حساب بانکی فیر از حساب سایپا خرید تلقی نمی گردد و شرکت هیچ گونه مسوولیتی در قبال تحویل خودرو ندارد . جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به شبکه گسترده نمایندگی های مجاز گروه خودرو سازی سایپا در سراسر کشور مراجعه نمایند .